

نگاهی به سوژه‌های زن کنشگر در اربعین؛ با تمرکز بر نگره الگوی هویتی زن شیعه

نسیم کاهیرده^۱

سعیده داوری مقدم^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۳

چکیده

گفتمان انقلاب اسلامی با اتکاء به الگوهای فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام پشتوانه مهمی برای حضور مؤثر زنان در جامعه ایران بوده است. در این میان طیفی از زنان مذهبی که کنشگرانی فعال هستند، بیش از دیگران در روند هویت‌یابی خود از این دو الگو پیروی کرده‌اند. سوژه‌هایی که در پژوهش کیفی حاضر به صورت هدفمند انتخاب شدند، کسانی هستند که در میدان اربعین هم حضوری کنشگرانه دارند. آنها عزم جدی برای تأسی نمودن به الگوی هویتی زن شیعه دارند، با این حال عدم شناخت کافی نسبت به این الگو، مانع از تحقق آن شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه فضای مناسبی اربعین بستری مناسب برای پیوند روحی سوژه‌ها با زینب علیها السلام - به عنوان یکی از الگوهای هویتی زن شیعه - است، با این حال صرف حضور،

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور مرکز تهران. Nasim.kahirdeh@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه امام خمینی. Raha_sdm@yahoo.com

بدون داشتن دغدغه کافی برای شناخت این الگو، ره‌آوردی هویتی برای سوژه‌های حاضر در میدان اربعین نخواهد داشت. **کلیدواژه‌ها:** اربعین، زنان شیعی، حضرت زینب علیها السلام، هویت مذهبی.

درآمد

اسلام و به تبع آن تشیع، زن را به عنوان سوژه فعال و مؤثر در گسترش دین، معرفی می‌کند و جایگاه هویتی مهم و برجسته‌ای برای او قائل شده‌است. از این روست که می‌بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله به پشتوانه حمایت‌های یک زن (همسرش خدیجه) دعوی رسالتش را علنی می‌سازد و با همراهی و همدلی زنی دیگر (دخترش فاطمه) این رسالت را پیش می‌برد.

پس از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و با شروع و امتداد جریان امامت، شاهد نقش آفرینی فاطمه علیها السلام هستیم. اگر چه عمر کوتاه فاطمه علیها السلام اجازه نداد که رسالتش را در قبال جامعه نوپای اسلامی ادامه دهد اما میراث فکری و الهی‌اش، از طریق زینب، دخترش حفظ شد. ظهور کمال عقلانیت و در عین حال عاطفه عمیق، سلحشوری و مجاهدت بی نظیر زینب علیها السلام در صحنه عظیم عاشورا بهترین شاهد برمدعای، زنده ماندن میراث دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

نگاهی به حضور فعال و تعیین کننده سوژه‌های زن مسلمان معاصر در به ثمر رسیدن جنبش‌های فکری، اجتماعی و سیاسی برخی از جوامع اسلامی مانند مصر، یمن و انقلاب اسلامی در ایران نشان داده است میراث شیعی که اشاره شد، هنوز زنده و پویاست و به پشتوانه آن برای زن مسلمان و شیعه راهی مستقل از فمینیسم وجود دارد و آن تلاش برای نزدیک شدن و تعامل با الگوهای هویتی زنانه در تاریخ تشیع یعنی؛ فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام است که در زیست الهی-معنوی و اجتماعی-سیاسی‌شان، سوژه‌هایی فعال و سرآمد و الگوی زنان هم عصر خود بوده‌اند. در این میان به نظر می‌رسد که میدان اربعین یکی از بسترهای مساعد برای نزدیک شدن زنان به این الگوهای هویتی زنانه شیعی است؛ چرا که در این فضای مناسبی، طبیعتاً انسان به



لحاظ روحی بیشترین تأثیرات معنوی را دریافت و درونی می‌سازد ضمن اینکه چنین تجربه‌ای برای فرد زائر در جمع رخ می‌دهد؛ یعنی شرایطی که بیشترین ایده‌آل سازی‌ها آموخته می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۸۴).

زنان زائر، موقعیت‌های راحت‌تر- غیر از پیاده‌روی ایام مناسکی اربعین- را برای زیارت امام حسین علیه السلام انتخاب نمی‌کنند و چنین سختی را خود داوطلبانه متحمل می‌شوند. همذات‌پنداری زنان زائر با حضرت زینب علیها السلام به عنوان الگویی که رنج‌های فراوانی را در راه انجام رسالت الهی‌اش متحمل شده، یکی از مهمترین عوامل انگیزشی حضور آنها در پیاده‌روی اربعین است. در این فضا بخش قابل توجهی از سوژه‌های زائر ضمن تأمل و اندیشه در هویت خود به عنوان زن شیعه، مهیای مواجهه‌ای زینب گونه با سختی‌هایی است که برای زنده نگاه داشتن نهضت امام حسین علیه السلام و در امتداد آن یاری‌گری امام عصر و زمینه‌سازی ظهور، بر تمامی شیعیان چه مرد و چه زن فرض شده‌است. مداومت بر طی این طریق هدفمند و تکرار هر ساله آن، به درونی شدن این احساس وظیفه و به تبع آن شکل‌گیری شاخصه‌های هویتی جدید برای سوژه‌ها می‌انجامد که یکی از مهمترین دستاوردهای حضور آنها در پیاده‌روی زیارتی اربعین است؛ چرا که مناسک عرصه‌ای است که اعتقادات به رفتارها پیوند می‌خورند و امر دینی برساخته می‌شود. این فضا نقشی کلیدی در صورت‌بندی سبک‌های دینداری و ادراک هویتی اقشار مختلف اجتماعی دارد (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۸۴).

سوژه‌های زن زائر با حضورشان در فضای مناسکی اربعین به واسطه ارتباط و تعامل با طیف گسترده‌ای از مؤمنین و کانون‌های تبلیغ مذهبی در بازگشت به زندگی عادی و روزمره، مبلغین مذهبی بالقوه‌ای خواهند بود. البته در این میان یک طیف خاص هم وجود دارند که سوژه‌های فعال عرصه‌های اجتماعی- فرهنگی (مساجد، پایگاه‌های بسیج، هیئات، مراکز فرهنگی، نشریات و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی) هستند و فعالیت تبلیغی نیز انجام می‌دهند. به عبارت دیگر این طیف از زنان زائر، نخست در حوزه دین و به تعبیر شریعتی، استخراج و پالایش منابع فرهنگی و سپس جامعه فعالیت می‌کنند. آنها با پیوستن با زیست اجتماعی عامه زنان و حضور در

اشکال سنتی تجمعات آنان - از جمله فضای مناسکی اربعین، جریان فکری خود را با مهمترین منبع تغذیه و حیاتش که عامه مردم باشند، تقویت و پویا می‌سازند. آنها فضای مدرن را درک کرده‌اند و با گفتمان‌های فمینیستی آشنا هستند. بنابراین در زیست فردی-اجتماعی‌شان ضمن مقابله همزمان با دیدگاه‌های متحجرانه و متجددانه، در فرآیندی بازاندیشانه به دنبال برساخت، بازنمایی و تکثیر الگوی هویتی اصیل زنانه‌ای برای خود هستند؛ هویتی که بتوانند با تکیه بر آن، ورای گذر از وضعیت ابژه جنسی بودن به شاخصه‌های هویتی الگوهای متعالی‌ای چون شخصیت فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام - زنان بزرگی که در تاریخ تشیع، منشأ تحولات مهم و تعیین کننده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دوران خود بوده‌اند- نزدیک شوند.

نوشتار حاضر در تلاش است ابتدا شاخصه‌های هویتی این طیف از زنان زائر با توجه به سبک زندگی، باورها، نگرش‌ها و نیز تعاملات اجتماعی - فرهنگی‌شان معرفی و سپس تفسیری که خود این سوژه‌ها از چگونگی تأسی به الگوی هویتی زن شیعه دارند، ارائه دهد. از این رو برآنیم به دو سوال اساسی پاسخ دهیم: زنانی که در فضای مناسکی اربعین به عنوان سوژه‌های زائر، حضوری کنشگرانه و خلاقانه دارند، دارای چه شاخصه‌های هویتی هستند؟ سوژه‌های زن زائر میان شاخصه‌های هویتی خود با الگوی هویتی زن شیعه که در زیست ایده‌ال افرادی چون فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام بروز و ظهور داشته است، چه نسبتی قائل هستند؟

چارچوب مفهومی

بیشتر نظریه پردازان شخصیت، هویت را در وهله نخست، امری فردی می‌دانند و معتقدند، هویت عبارت از احساس تمایز، تداوم و استقلال شخصی است. هویت پیش نیاز هر گونه زندگی اجتماعی است؛ چرا که اگر مبنای زندگی اجتماعی را برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران بدانیم هویت چنین امکانی را فراهم می‌کند. هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد ولی بستر شکل‌گیری آن در زندگی جمعی است. هویت اجتماعی نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان پذیر می‌سازد، بلکه به زندگی

افراد هم معنا می‌بخشد. معنا ساز بودن هویت بر ساختگی بودن آن دلالت می‌کند. معنا خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیا نیست، بلکه همیشه نتیجه توافق یا عدم توافق است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). بنابراین هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آنها که فرد آنها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب سؤال من کیستم ارائه می‌دهد. هویت از نظر گیدنز (۱۳۸۲: ۸۲) چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد و باید به طور مداوم و روزمره آن را ایجاد کند و در فعالیت‌های تأملی و بازاندیشانه مورد حفاظت و حمایت قرار دهد. هویت فرد امری در حال ساخته شدن است و ساخته شدن آن پایانی ندارد. چون فرد مدام دانش و اطلاعات خویش را در راه تعریف و نظم دادن دوباره به فعالیت‌ها و هویتش و چگونگی بازنمایی این هویت در جهان صرف می‌کند و به همین دلیل هویت حالت بازتابی دارد و در نتیجه ایستا نیست. این تلقی به هویت حالت دیالکتیکی می‌دهد به بیان کلی، هویت به درک و تلقی مردم از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. اکثر افراد معناها و تجربه‌های زندگی خود را حول یک هویت اصلی سازماندهی می‌کنند، هویتی که در طول زمان و مکان دوام و استمرار دارد (همان، ۳۰).

اگر هویت را به معنای «داشتن تصویر روشنی از خود یا پنداشتی آگاهانه از کیستی یا چیستی خود» تعریف کنیم آنگاه در می‌یابیم که شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست چرا که تمامی افراد جامعه باید بتوانند به تجارب خود معنا بخشند و از طریق انباشت آگاهی از خود به آگاهی از جامعه، فرهنگ، تاریخ و نظایر آن نائل آیند (عزیز زاده، ۱۳۸۷: ۲۵).

نظریه بوردیو رابطه دوسویه میان ساختارهای عینی و ذهنی یا شناختی است که انسان‌ها از طریق آن با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند که قرابت نزدیکی با موضوع هویت می‌یابد (همان، ۲۵). باتوجه به تأثیر مستقیم سبک و روش زندگی افراد و موقعیت اجتماعی آنها در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی‌شان با استفاده از نظریه بوردیو می‌توان به شاخصه‌های هویتی سوژه‌ها دست یافت. از طرفی سبک زندگی و سرمایه، دو

مفهوم مرتبط با هم هستند که بر روی هم تأثیر متقابل دارند. افراد با توجه به نوع و میزان سرمایه به گروه‌ها و طبقه‌بندی‌های مختلفی قابل تقسیم هستند. «سرمایه می‌تواند عینیت داشته باشد مثل میزان ثروت مادی، یا در اختیار داشتن یک محصول فرهنگی اما همچنین سرمایه می‌تواند تنیده شده باشد. مثل سبک زندگی به خصوصی که فرد با توجه ترکیب انواع سرمایه‌های در اختیار، برمی‌گزیند یا بیزاری جستن از سبک زندگی خاص که به شکل موانع طبقاتی ظاهر می‌شود. برای آنان که خود را صاحب فرهنگ متعالی (به عنوان یکی از انواع سرمایه) می‌دانند، بدترین حالت وضعیتی است که آنها نتوانند مطابق ذائقه خود عمل کنند. یعنی آنها مایلند ارزش‌های خود را در رفتار، اعمال و سبک زندگی خویش به کار برند» (گرنفل به نقل از بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۷۷-۱۷۴).

به طور خلاصه در نظام مبادلات بوردیو چهار نوع سرمایه معرفی می‌شود: ۱) سرمایه اقتصادی که ماهیتی کمی دارد و با پول، میزان دارایی و اموال قابل سنجش و اندازه‌گیری است؛ ۲) سرمایه فرهنگی مرتبط با تحصیلات، مدارج علمی، تخصص‌ها مهارت‌ها و...؛ ۳) سرمایه اجتماعی به طور کلی همان شبکه ارتباط اجتماعی و دامنه اشخاص، گروه‌ها یا اجتماعات مرتبط با اشخاص است؛ ۴) سرمایه نمادین که در واقع نوع خاصی از سرمایه فرهنگی است که اشاره دارد به پرستیژ، منزلت و افتخارات کسب شده افراد در جامعه.

بر اساس نظریه کنش بوردیو، عمل و رفتار محصولی از عادت‌واره^۱ افراد در میدان عمل است. کلیه روابط، تعاملات و کنش‌های افراد در یک فضای اجتماعی محقق می‌شوند که بوردیو از آن به میدان^۲ یاد می‌کند (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۵: ۱۵). در واقع سبک زندگی به طور خلاصه فضایی است که در آن کنشگران، چگونه زندگی کردن، اولویت‌بندی، معیارهای ترجیحات و زیبایی‌شناسی خاص خود را می‌آموزند» (همان، ۵-۶). بنابراین، در ساخت چارچوب مفهومی پژوهش بر پایه مفاهیم تعریف شده می‌توان

۱. عادت‌واره حلقه ارتباطی بین ساختار اجتماعی و افراد است و به عبارتی دیگر ساختاری درونی شده است که کنش‌ها را شکل می‌دهد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۵، ۶۰-۶۱).

اظهار کرد که تحت تأثیر نظام معنایی و گفتمانی انقلاب اسلامی، طیفی از زنان ظهور یافته‌اند که ذیل آموزه‌های دینی برای خود مسئولیت‌های اجتماعی تعریف کرده‌اند که ضمن حفظ کرامت آنها مشوق کنشگری در عرصه‌های مختلف است. این طیف از زنان در فضای مناسکی اربعین، هم به مثابه سوژه‌های فعال مؤمن و با هدف تبلیغ فرهنگ دینی شرکت می‌کنند؛ چرا که مناسک نقشی کلیدی در ادراک هویتی اقشار مختلف اجتماعی دارد و عرصه‌ای برای پیوند میان اعتقادات و رفتارها و برساخت امر دینی است. هر قدر هم مناسک مذهبی اهمیت کمی داشته باشند می‌توانند جمع را به تحرک وادارند؛ گروه‌ها برای برپایی آنها تجمع می‌کنند از این رو نخستین اثرشان مرتبط ساختن افراد، افزایش تماس میان آنها و صمیمیت بخشیدن در بین آنهاست. در چنین فضای محتوای آگاهی‌ها تغییر می‌یابد چرا که طی روزهای عادی اینها اشتغالات سودجویانه و فردی هستند که توجه بیشتر افراد را جلب می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۸۶).

سوژه‌های زن زائر با حضور فاعلانه و نه منفعلانه خود در چنین فضای مناسکی، ضمن اینکه ارزش‌های هویتی که برایشان به عنوان زن شیعه درونی شده است را تقویت می‌کنند به خود این فرصت را می‌دهند که در فضای مذهبی مساعد و در جمع سایر شیعیان با نگاهی تأملی و بازاندیشانه، معانی و شاخصه‌های هویتی جدیدی را درونی کنند. در واقع این طیف از زنان برخلاف تحلیل‌های جامعه‌شناختی رایج با استفاده از عرصه رسانه، انبوه منابع علمی و اطلاعاتی، روابط گسترده‌تر اجتماعی، تعلقات گروهی، آزادی و استقلال نسبی در خانواده، نه تنها نسبت به سنت‌های فکری خود دچار تردید نمی‌شوند بلکه به صورت آگاهانه باورهای سنت شیعی خود را بازتولید می‌نمایند و بازاندیشانه معانی جدید و ارزش‌های متناسب با عصر و زمانه زیست خود را از دین و سیره معصومین استخراج، پالایش، برساخت و تکثیر می‌کنند. این طیف از زنان جامعه مذهبی طی سال‌های اخیر در فضای مناسکی اربعین نیز به شکل چشمگیری حضور یافته‌اند؛ حضوری سوژه‌وار، کنشگرانه و خلاقانه. زنان در مسیر پیاده‌روی نمادین اربعین، که تداعی‌کننده حرکت و رسالت تاریخی زینب علیها السلام در حافظه جمعی شیعیان است؛ به خاطر زن بودنشان امکان همذات‌پنداری بیشتری با زینب علیها السلام دارند. این همذات

پنداری برای زنان به ویژه آنها که اهل اندیشه‌اند و دغدغه‌های رشد و تعالی هویتی دارند، فرصت مغتنمی برای الگوگرفتن است. در این میان فضای مناسبی اربعین تقویت کننده چنین الگوپذیری و تأثیرپذیری است. چنانکه می‌دانیم مناسب بستری است که به مرور موجب تغییر محتوای آگاهی‌ها می‌شود چرا که فضایی مقدس و لاهوتی برای افراد مهیا می‌سازد و در چنین بستری است که آنها بیشترین تأثیرات معنوی را دریافت و درونی می‌سازند. ضمن اینکه این تجربه برای فرد زائر در جمع رخ می‌دهد یعنی شرایطی که بیشترین ایده‌آل سازی‌ها آموخته و الگوها پذیرفته می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۸۶).

روش تحقیق

رویکرد این پژوهش کیفی است. تحقیق کیفی مستلزم نگرش پژوهشی خاصی است که مبتنی بر اولویت موضوع بر روش و جهت دار بودن فرآیند تحقیق است و لازمه آن، دیدار محقق با افراد مورد مطالعه‌اش است (فلیک، ۱۳۸۷: ۶۵). اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه‌های عمیق نیم‌ساختاریافته با سوژه‌ها جمع‌آوری شده است. ابزار تحلیل داده‌های میدان پژوهش تحلیل مضمونی^۱ است. روش تحلیل مضمونی، روشی مبتنی بر شناسایی و کدگذاری الگوهای معنایی یافته شده در روایت فرد است که به شناسایی ایده‌های ضمنی، معنادار و روشن می‌پردازد و قائل به امکان تفسیر و عاملیت برای پژوهشگر است (ذکایی، ۱۳۹۹: ۸۴). بنابراین پژوهشگر در فرآیند تحلیلی، معانی برساخت یافته توسط زنان زائر را که هم در جامعه و هم میدان اربعین، موقعیتی سوپرتکیو^۲ دارند، از طریق گفتگو و خوانش دست نوشته‌های آنها انتزاع و فهم می‌نماید.

جمعیت مورد مطالعه شامل زنان فعال در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی است که تا کنون حداقل یک مرتبه در پیاده‌روی زیارتی اربعین شرکت کرده‌اند. نحوه انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و براساس «نمونه‌گیری نظری»^۳ در فضای شبکه اجتماعی اینستاگرام صورت گرفته است. در نمونه‌گیری نظری، جمع‌آوری داده‌ها به

1. Thematic Analysis
2. subjective
3. Theoretical sampling

منظور تولید نظریه است و به موجب آن، همزمان جمع‌آوری و کدگذاری و تحلیل داده‌ها صورت می‌گیرد و در واقع، نظریه در حین شکل‌گیری، تکمیل می‌شود و به این ترتیب محقق تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را جمع‌آوری کند. معیار پایان گرفتن کار نمونه‌گیری، «اشباع نظری»^۱ است؛ در این مرحله داده‌ها شکل تکراری پیدا نموده و اطلاعات جدیدی را به محقق نمی‌دهند (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۷۳). در این پژوهش با مطالعه ۱۲ نفر از سوژه‌های زن زائر بین ۲۵ تا ۵۰ سال^۲، اشباع نظری حاصل شد. سوژه‌ها به صورتی انتخاب شدند که بیشترین تنوع و تکثر را از نظر ویژگی‌های سنی، ظاهری، قومیتی و طبقاتی داشته باشند. ابتدا با جستجو در شبکه اجتماعی اینستاگرام، سوژه‌های متناسب با هدف پژوهش (زنان فعال در عرصه فرهنگ دینی و اربعین) انتخاب شدند، سپس مطالب مرتبط با موضوع اربعین که در صفحات این افراد نشر داده شده بود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله بعد اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل با مصاحبه‌ها تکمیل شد. پرسش‌ها در قالب دو دسته ۱- زمینه‌ای (مشخصات فردی) ۲- مضمونی (پرسش‌های معطوف به نگرش و دیدگاه) طرح شده‌اند. مصاحبه‌ها به صورت باز و نیمه ساخت یافته و عمیق انجام شده است (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

اطلاعات زمینه‌ای جمعیت مورد مطالعه

مصاحبه شونده شماره ۱- زن ۴۳ ساله، صاحب دو فرزند، دکتری جامعه‌شناسی، مدرس و پژوهشگر، ساکن اهواز (شرکت در پیاده‌روی اربعین: خانوادگی: ۱ مرتبه، همراه تیم پژوهشی: ۲ مرتبه).

مصاحبه شونده شماره ۲- زن ۴۰ ساله، بدون فرزند، ارشد جامعه‌شناسی، خانه‌دار، ساکن در خارج از کشور (شرکت در پیاده‌روی زیارتی اربعین: خانوادگی و دوستانه: ۵ مرتبه، همراه تیم پژوهشی: ۱ مرتبه).

1. Theoretical saturation

۲. انتخاب سن ۲۵ سال احتمال داشتن تحصیلات و امکان ازدواج نمونه‌ها را افزایش می‌داد. از طرفی انتخاب حداکثر سن ۵۰ سال از جهت در نظر گرفتن احتمال کاهش انگیزه افراد برای فعالیت‌های اجتماعی و هدفمند در سنین بالاتر بوده است.

- مصاحبه شونده شماره ۳- دختر ۴۵ ساله، کارشناس ارشد ارتباطات، مدرس دانشگاه، ساکن شیراز (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: دوستانه - گروهی: ۱ مرتبه).
- مصاحبه شونده شماره ۴- دختر ۳۹ ساله، کارشناسی ارشد جامعه شناسی، فعال در مرکز خیریه، ساکن سوسنگرد (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: همراه تیم پژوهشی: ۳ مرتبه).
- مصاحبه شونده شماره ۵- زن ۴۰ ساله، دارای یک فرزند، دکتری جامعه شناسی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر، ساکن تهران (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: خانوادگی - دوستانه: حداقل ۵ یا ۶ مرتبه).
- مصاحبه شونده شماره ۶- زن ۲۹ ساله، بدون فرزند، لیسانس گرافیک، مترجم و نویسنده، ساکن قم (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: خانوادگی - دوستانه: ۳ مرتبه، همراه تیم تخصصی: ۲ مرتبه).
- مصاحبه شونده شماره ۷- زن ۵۰ ساله، صاحب ۴ فرزند، حوزوی، مبلغ و مدیر یک موسسه تبلیغ دینی، ساکن در خارج از کشور (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: ۹ مرتبه به طرق مختلف انفرادی، خانوادگی و گروهی).
- مصاحبه شونده شماره ۸- زن ۳۴ ساله، دارای ۲ فرزند، کارشناس ارشد تبلیغ و ارتباطات، خانه دار، ساکن کاشان (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: ۹ مرتبه به طرق مختلف انفرادی، خانوادگی و گروهی).
- مصاحبه شونده شماره ۹- زن ۳۲ ساله، صاحب یک فرزند، کارشناس ارشد معارف اسلامی، خانه دار، ساکن دزفول (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: ۶ مرتبه به طرق مختلف انفرادی، خانوادگی و گروهی).
- مصاحبه شونده شماره ۱۰- زن ۳۹ ساله، دارای ۲ فرزند، کارشناسی شیمی، نویسنده و کارشناس فرهنگی، کاشان (شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: ۳ مرتبه)
- مصاحبه شونده شماره ۱۱- زن ۳۵ ساله، بدون فرزند، دکتری فلسفه علم، دبیر و پژوهشگر حوزه زنان و اندیشه اسلامی، ساکن تهران (شیوه شرکت در پیاده روی زیارتی اربعین: ۶ مرتبه به صورت خانوادگی، دوستانه، گروه فرهنگی).

مصاحبه شونده شماره ۱۲- دختر ۳۷ ساله، دکتری جامعه‌شناسی، کارمند، ساکن تهران (شیوه شرکت در پیاده‌روی زیارتی اربعین: ۸ مرتبه به صورت خانوادگی، دوستانه، گروه فرهنگی).

یافته‌های میدانی

الف- شاخصه‌های هویتی سوژه‌ها

تحلیل اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها و مضامین مربوط به دست نوشته‌های سوژه‌ها نشان می‌دهد؛ زنان زائری که در میدان اربعین، حضوری فعال و کنشگرانه دارند؛ دارای ویژگی‌های فردی-اجتماعی مشترکی هستند که امکان قرار دادن آنها در قالب یک تیپ هویتی را امکان‌پذیر می‌سازد. طبق یک الگوی^۱ تجربه شده، با استفاده از شاخص‌های هویتی زیر می‌توان به معرفی این طیف از زنان زائر پرداخت.

۱- باورهای دینی

بعد از اصول اعتقادی تشیع (توحید، نبوت، معاد، عدالت، امامت)، اعتقاد به وجوب اعمالی مثل نماز، روزه، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، داشتن حجاب و عفاف و رعایت حق الناس از مهمترین باورهای مشترک سوژه‌ها هستند که در کنار اعتقاد یقینی به ولایت ائمه و لزوم تأسی و توسل به آنها و اهل بیت علیهم‌السلام تقویت و تکمیل می‌شوند.

- به عنوان یک زن شیعه معتقدم که حجاب میراث مقدسی است که از حضرت زهرا و زینب علیها‌السلام به ما رسیده است (مصاحبه شونده شماره ۹).

- به اعتقاد من اولین ویژگی زن مسلمان حجاب است اما آن را مانع فعالیت اجتماعی نمی‌دانم (مصاحبه شونده شماره ۹).

- به زندگی خداپسندانه و تکلیف‌گرایانه در مسیر رشد و تعالی باور دارم (مصاحبه

۱. شاخصه‌های نظری (۱- باورهای دینی ۲- ارزش‌ها و نگرش‌ها ۳- نقش مسلط ۴- اعتماد بنیادین (امید، خوش‌بینی و احساس رضایت نسبت به خود و اعتماد به دیگران و جامعه) ۵- مراقبت و نظارت بر بدن ۶- سبک زندگی) از مقاله «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر هویت اجتماعی زنان» استخراج شده است.

شونده شماره: ۱۰).

- اعتقاد دارم هم انسان و هم نظم و علیت خدا در جهان قضا و قدر را می‌سازد. هر چقدر به سمت اهدافتان حرکت کنید نیروهای حاکم بر طبیعت آنها را برای شما شدنی می‌کنند (مصاحبه شونده شماره ۳).

- برای زندگیم تلاش می‌کنم ولی هر اتفاقی هم بیافتد به عنوان سرنوشت و مشیت الهی می‌پذیرم (مصاحبه شونده شماره ۲).

۲- نگرش‌ها و ارزش‌ها

نگرش سوژه‌ها به الگوی هویتی زن شیعه

وجود الگوهایی چون حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام در تاریخ تشیع نشان دهنده امکان تحقق عینی و واقعی هویت آرمانی زن شیعه است. گفتمان انقلاب اسلامی - با اتکاء به الگوهایی چون حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام - مهمترین پشتوانه فعالیت و حضور مؤثر زنان در صحنه‌های مختلف جامعه ایران بوده است و طبعاً بخشی از زنان جامعه از خلال محتوای معارفی که به واسطه گفتمان انقلاب اسلامی از دین دریافت کرده‌اند به الگوهای بزرگی چون حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام توجه و از آنها تأثیر پذیرفته‌اند. در این میان طیف خاصی از زنان که کنشگران فعال عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هم هستند بیش از سایر زنان، به این الگوها جذب شده و در روند هویت‌یابی خود به این الگوها تأسی کرده‌اند. سوژه‌هایی که در پژوهش حاضر به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند جزو این طیف از زنان جامعه هستند. سوژه‌ها اغلب به خاطر قدسی دانستن مقام فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام و عظمت وجودی‌شان در مقام قیاس و ویژگی‌های شخصی خود با آن بزرگواران برنمی‌آیند و بنابراین فقط به برخی از تلاش‌های خود برای نزدیک شدن به این الگوها اشاره می‌کنند.

- در مسیر معرفت نسبت به این دو بانوی گرانقدر تلاش می‌کنم. دستگیری از دیگران، احساس وظیفه داشتن و دغدغه آگاهی بخشی از ویژگی‌های شخصی‌ام است و شاید بتوان آنها را تلاش برای فاطمه و زینب وار شدن، دانست (مصاحبه شونده شماره ۹).

- نمی‌توانم خودم را به سطح زندگی این حضرات برسانم. همیشه سعی می‌کنم که در



- این مسیر باشم و منحرف نشوم (مصاحبه شونده شماره ۴).
- شبیه این حضرات شدن بسیار کار سختی هست ولی سعیم را کرده‌ام. در عفاف و حجاب الگویم این بانوان هستند (مصاحبه شونده شماره ۲).
- حضرت زهرا و حضرت زینب علیهما السلام در بعد خانوادگی و اجتماعی کنشگری داشته‌اند. مسئولیت مادری و همسری و در عین حال مسئولیت یاری و همراهی امام زمان را انجام دادند که نشان دهنده اولویت بندی در زندگی است. برای آدم‌های در جستجوی کمال، هدف شبیه این الگوها شدن است (مصاحبه شونده شماره ۱۲).
- حضرت زینب علیها السلام معلم زن‌های کوفه بودند و این نشان دهنده اهمیت علم است (مصاحبه شونده شماره ۱۲).
- من معتقد به الگوی کاملی هستم که از حضرت فاطمه علیها السلام، نه سنتی و مدرن؛ نه متحجر و متجدد، داریم (مصاحبه شونده شماره ۱).
- زن ایده‌آل و الگو کسی است که زندگی خداپسندانه و تکلیف‌گرایانه در مسیر رشد و تعالی داشته باشد. حضرت زهرا علیها السلام به تمام معنا یک انسان رو به رشد و دارای کنشگری اجتماعی لازم و به موقع بودند. همیشه در دنیای مادرانگی‌هایم نیاز به الگوگیری از حضرت زهرا علیها السلام را احساس کرده‌ام (مصاحبه شونده شماره ۱۰).
- در مورد حضرت فاطمه علیها السلام به حجاب اشاره می‌کنم. در موارد دیگر متأسفانه هیچ شناختی نداشتم. در واقع ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام را روشن نکردیم که کسی بتواند از این حضرات الگو بگیرد (مصاحبه شونده شماره ۵).
- در پیروی کردن از این بزرگواران توفیقی نداشته‌ایم به جز اهتمام به حجاب و دفاع از چادر (مصاحبه شونده شماره ۱۱).
- تنها چیزی که زن شیعه از حضرت فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام می‌داند صرفاً حفظ حجاب است که مهم اما کافی نیست (مصاحبه شونده شماره ۳).
- در داشتن حجاب و عفت و نیز صبر در سختی‌ها از حضرت فاطمه و زینب علیهما السلام الگو گرفته‌ام (مصاحبه شونده شماره ۶).

نگرش سوژه‌ها به مقوله آگاهی

- زن باید در عین عطوفت، برخوردار از آگاهی و تعقل باشد. من خودم را موظف به آگاهی یافتن و آگاهی دادن در راه خدا می‌دانم (مصاحبه شونده شماره ۱).
- با وجود پایبندی به سنت‌ها، خود را از آگاهی و انتخاب‌های جدید محروم نمی‌کنم. داشتن آگاهی برای زنان به خاطر تربیت فرزندان واجب‌تر است. آگاهی لازمه زندگی منتظرانه است (مصاحبه شونده شماره ۹).
- پدر و مادر برای تربیت فرزند در این نسل باید آگاه باشند (مصاحبه شونده ش ۸).

نگرش سوژه‌ها به مقوله تحصیلات و شغل

- تحصیلات عالی واجبه چون بخشی از سیستم تعقل انسان‌ها از همین طریق به دست می‌آید (مصاحبه شونده شماره ۱۱).
- تحصیلات عالی برای زن که محوریت خانه و تربیت فرزندان برعهده‌اش می‌باشد، مهم‌تر است (مصاحبه شونده شماره ۱).
- یک شخص متعهد باید فرد آگاهی باشد که بعضی از این مطالب از تحصیلات دانشگاهی و بعضی با مطالعات هدفمند کسب می‌شود. نمی‌گویم حتما تحصیلات دانشگاهی یا حوزوی، خیلی از تحصیلات در بزرگراه‌های زندگی راهگشا نیست ولی آموزش‌های آزاد کاربردی تر هستند (مصاحبه شونده شماره ۸).
- تحصیلات عالی در حد توان و علاقه خوب و لازم است اما شغل و درآمد را برای خانم‌ها در حالت عادی اصلا لازم نمی‌دانم مگر اینکه شرایط زندگی کسی خاص باشد (مصاحبه شونده شماره ۱۰).
- شغل برای خانم‌های مذهبی از جهت تأثیرگذاری آنها بر جامعه اهمیت دارد. اکنون در بحث آموزش خلاء معلم‌های متعهد حس می‌شود چرا که عرصه را به دیگران واگذار کرده‌اند (مصاحبه شونده شماره ۸).
- در صورتی که فرد مجرد باشد، درآمد شغلی مهم می‌شود. زن متأهل هم اگر شرایط خاصی داشته باشد (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

۳- نقش مسلط (از میان نقش‌های مختلف یک زن)

سوژه‌های مورد مطالعه غالباً نقش مادری و همسری خود را مسلط بر سایر نقش‌ها

می‌دانند به طوری که در خیلی از مواقع خواسته‌های خود را نادیده می‌گیرند تا آسیبی متوجه خانواده نشود. در این میان سوژه‌هایی که مجرد هستند به نقش فرهنگی و اجتماعی اهمیت یکسان و حتی بیشتری می‌دهند:

- تنها راه رشد استعدادهاى فردى و حتى ايفاي نقش‌هاى مؤثر اجتماعى فقط اشتغال نيست (مصاحبه شونده شماره ۱۰).

- اولويت خانواده است و تلاشم در جهت آرامش محيط خانه اما حذف فعاليت‌هاى اجتماعى از انرژى و نشاطم كم مى‌كند و برايم ضرورى است (مصاحبه شونده شماره ۱).

- براى من نقش همسرى پررنگ‌تر از ساير نقش‌هايم است. تربيت بچه و تأمين فضاي آرام در خانه، مهمترين نقش يك زن است (مصاحبه شونده شماره ۲).

- نقش فرهنگى و تعامل اجتماعى برايم اولويت دارد. من نقطه اتصال همه فاميل هستم چون با همه ارتباط مؤثر دارم (مصاحبه شونده شماره ۳).

- زن بودن و نقش‌هاى كه تكوينا به عهده‌ام هست را دوست دارم اما به عنوان يك دختر اهل فعاليت‌هاى اجتماعى هستم (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

- من در هر مقطعى از زندگى يك نقشى برايم مهمتر بود. بعد از ازدواج نقش همسريم پررنگ و فعاليت‌هاى اجتماعيم كم‌رنگ بود. بعد از تولد فرزند، فعاليت اجتماعيم متوقف شد. بعد از بزرگتر شدن فرزندم فعاليت اجتماعيم را در حد كارهاى مطالعاتى پژوهشى پيش بردم (مصاحبه شونده شماره ۸).

۴-۴-۴-۴ اعتماد بنیادین

اغلب سوژه‌هاى مورد مطالعه در ارزيابى هويت شخصى خود از نوعى دغدغه دائمى براى تلاش و كوشش در مسيرى كه بر درست بودن آن باور دارند، تأكيد كرده‌اند. آنها در موقعيت اجتماعى و فرهنگى اى قرار گرفته‌اند كه بر ديگران تأثيرات مستقيم و غيرمستقیمی دارند لذا درك اين واقعيت از سوى آنها به ايجاد نوعى احساس رضائيت از خویش و امیدواری منجر می‌شود که مشوق ادامه کنشگری اجتماعی-فرهنگی آنها است. از آنجا که سعی و تلاش این سوژه‌ها متکی به باورهای مذهبی‌شان و با نیت‌مندی داد و ستد با خداوند انجام می‌شود لذا معمولاً در ناکامی‌ها و عدم تحقق اهداف هم

حتی به ناامیدی و دلسردی شان نمی‌انجامد:

- من همیشه امیدوار نیستم اما کاملاً هم ناامید نمی‌شوم. معتقد به انجام تکلیف الهی بدون در نظر گرفتن نتیجه هستم (مصاحبه شونده شماره ۱).

- به نظرم همه آدم‌ها خوب هستند مگر خلافت ثابت بشود. طبق باور دینی‌ام باید هر چه برای خودم می‌پسندم برای دیگران نیز بپسندم (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

- به نظرم زن بودن نوعی شفقت و خیرخواهی را در وجود او پرورش می‌دهد که عامل مهم تقویت امید در جامعه است. خانواده و جامعه را به سوی انسجام می‌برد. چنین عطوفتی در من هست که باعث حرکت من می‌شود (مصاحبه شونده شماره ۹).

- بنده به شدت به کارهای فرهنگی علاقه‌مند هستم. چون در راستای ارزش‌ها و اهدافم است و باعث احساس رضایت و حرکت امیدوارانه در من می‌شود (مصاحبه شونده شماره ۱۰).

- همیشه مشتاق و علاقه‌مند به کمک کردن به دیگران و دستگیری از نیازمندان هستم (مصاحبه شونده شماره ۸).

- بی‌وقفه حتی در مواقع بیماری، در جهت زمینه‌سازی برای ارتباط گیری با کادر درمان و بیماران در بیمارستان تلاش کرده‌ام و خودم را در مسیر می‌بینم (مصاحبه شونده شماره ۷).

- سعی خود را در جهت مردم‌داری، حسن خلق با دیگران و برقراری ارتباط موثر با دیگران می‌کنم (مصاحبه شونده شماره ۳).

- مورد اعتماد و طرف مشورت اطرافیان هستم و از خودم احساس رضایت دارم (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

۵-مراقبت و نظارت بر بدن

- از همان کودکی و قبل از سن تکلیف اصلاً دنبال رسیدگی به ظاهر نبودم. چون تمایل به در معرض توجه بودن نداشتم. البته سلامتی بدن مهم است که متأسفانه به آن نیز توجه نکردم (مصاحبه شونده شماره ۹).

- مراقبت از بدن برای هر انسانی ضرورت دارد. من چندان به این امر توجه نکرده‌ام.

چون از کودکی باید به دختران آموزش داده شود (مصاحبه شونده شماره ۳).

- در مراقبت از بدن موفق نبودم ولی مهم هست و اطلاعات خوبی دارم (مصاحبه شونده شماره ۱۱).

- متأسفانه در زمینه مراقبت از بدن کار نکردم که درست نیست. انسان باید به همه جوانب توجه کند (مصاحبه شونده شماره ۸).

- بسیار معتقد به ورزش هستم ولی در عمل کار خاصی انجام ندادم (مصاحبه شونده شماره ۲).

- هم از نظر سلامتی و هم زیبایی کاملاً اهمیت می‌دهم (مصاحبه شونده شماره ۴).
- خیلی به مراقبت از بدن فکر نمی‌کنم چون واقعا فرصتش را ندارم ولی می‌دانم که برای یک زن خیلی مهم است (مصاحبه شونده شماره ۱).

۶- سبک زندگی

طبق نظریات بوردیو سبک زندگی و سرمایه دو مفهوم مرتبط با هم هستند که بر روی هم تأثیر متقابل دارند. افراد با توجه به نوع و میزان سرمایه به گروه‌ها و طبقه‌بندی‌های مختلفی قابل تقسیم هستند. هرچند که این طبقه‌ها و دسته‌بندی‌ها مرز فیزیکی و قابل رؤیتی نداشته باشند ولی به هر صورت نمی‌توان تمایزات میان آنها را نادیده گرفت. سرمایه می‌تواند عینیت داشته باشد مثل میزان ثروت مادی، یا در اختیار داشتن یک محصول فرهنگی اما همچنین سرمایه می‌تواند تنیده شده باشد. مثل سبک زندگی به خصوصی که فرد با توجه ترکیب انواع سرمایه‌های در اختیار، برمی‌گزیند.

زنان زائری که در میدان اربعین، حضوری کنشگرانه و فعال دارند و به عنوان نمونه‌های این پژوهش انتخاب شده‌اند به لحاظ سبک و روش زندگی، دارای نقاط مشترک قابل توجهی هستند این طیف از زنان به لحاظ اقتصادی تقریباً در موقعیت متوسط یا ضعیف جامعه قرار می‌گیرند؛ هیچ‌کدام دارای درآمد بالا و ثروت زیادی نیستند و موقعیت مالی معمولی و بعضاً نامناسبی دارند. اغلب زیست ساده و به دور از تکلف‌های رایج زنانه را در پیش گرفته‌اند که البته تا حد زیادی خود خواسته است اما بخشی از آن هم به طور طبیعی تحت تأثیر شرایط اقتصادی این دسته از اقشار جامعه

است. این سوژه‌ها از نظر برخورداری از سرمایه‌های فرهنگی در حد بالای جامعه قرار می‌گیرند. دارای تحصیلات عالی دانشگاهی یا حوزوی و اهل فکر و اندیشه‌ورزی هستند. به لحاظ برخورداری از اطلاعات علمی، قدرت تحلیل و تعمق در مسائل، در سطح قابل قبولی قرار دارند. دست به قلم بودن، مهارت‌های تحقیق و پژوهش و تبلیغ کارآمد و مؤثر در حوزه دین از سرمایه‌های فرهنگی برجسته این طیف از زنان است. سوژه‌های زن زائر مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی نیز در وضعیت مطلوبی هستند. اغلب آنها در گروه‌های نخبگانی و تشکل‌های اجتماعی، مراکز خیریه‌ای، جماعت‌های محله‌ای، مساجد، هیئات و... عضویت دارند و در حلقه‌ها و شبکه‌های اجتماعی حضوری فعال دارند. همگی آنها در ارتباط تنگاتنگ و مؤثری با خانواده، دوستان و جامعه اطراف خود قرار دارند.

ب- سوژه‌ها و میدان اربعین

حضور کنشگرانه سوژه‌ها در میدان اربعین

همان طور که در طرح مسئله بیان شد سوژه‌های انتخاب شده در این مطالعه اغلب جزو زنان زائری هستند که نزدیک به یک دهه (به استثنای دوره شیوع کرونا) است که هر سال در پیاده‌روی زیارتی اربعین شرکت می‌کنند.

سوژه‌های مورد مطالعه شماره هفت، که مبلغ و فعال حوزوی و دانشگاهی است از سال ۹۲ تا کنون به صورت مستمر در مسیر پیاده‌روی اربعین کار تبلیغی مهدوی انجام می‌دهد. وی در طول سال نیز تعاملات فرهنگی و تبلیغی را با مخاطبینی از شیعیان کشورهای دیگر در فضای مجازی حفظ می‌کند.

- هر سال در موسم اربعین به مدت ده روز در مسیر و در موب‌های ملل مختلف سخنرانی و تبلیغ چهره به چهره در جهت زمینه‌سازی ظهور داشته‌ام حتی در حرم هم فقط به کارهای تبلیغی مشغول هستم (مصاحبه شونده شماره ۷).

سوژه دیگر یک مترجم و نویسنده است (مصاحبه شونده شماره ۶) زن جوانی که به واسطه سفر به نقاط مختلف دنیا با فرهنگ ادیان دیگر نیز آشنا است. شرکت هر ساله

وی به منظور شناخت بیشتر فرهنگ، باورها و آئین‌های مردم عراق است. دختر جوانی با دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی (مصاحبه شونده شماره ۱۲) نزدیک به یک دهه این مسیر را طی کرده و علاقه‌مند به تعامل و آشنایی با زنان شیعه عراق است! او و دیگر زنان سوژه که ایده ارتباط صمیمانه با زنان زائر دارند؛ با روش‌های غیرمستقیم و صحیح به تبلیغ ارزش‌های دینی می‌پردازند. یکی دیگر از زنان فعال و کنشگر در میدان اربعین؛ نویسنده‌ای است (مصاحبه شونده شماره ۱۰) که اختصاصاً برای مادران زائر می‌نویسد. از مسائلی که در این مسیر برای مادران و کودکان رخ می‌دهد تا اهمیت حضور کودکان در این مسیر و اثرات آن بر تربیت و هویت دینی نسل آینده!

از میان سوژه‌های انتخابی، مادری جوان با دو فرزند کوچک در کنار همسرش یک دهه موبک دار مسیر اربعین بوده‌اند. وی از زنان شناخته شده و فعال در عرصه فرهنگ دینی و انقلابی است (مصاحبه شونده شماره ۸). یکی از دغدغه‌های او روایت انسان شناختی از فعالیت زنان خادمی است که هر ساله در موبک‌ها مشغول خدمت رسانی به زوار هستند.

- قبل از اربعین کارهای تدارکاتی فرهنگی و در ایام اربعین هم برنامه‌های متعدد فرهنگی تبلیغی داریم. خدام حتی از زیارت به خاطر خدمت به زائر اهل بیت می‌گذرند (مصاحبه شونده شماره ۸).

- شرکت هر یک از شیعیان در اربعین تکلیفی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور است. فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی‌ام با چنین هدفی و الگویم در این راه عقلانیت و صبوری حضرت زینب علیها السلام بوده است (مصاحبه شونده شماره ۹).

از میان نمونه‌های مورد مطالعه، چند پژوهشگر حوزوی و دانشگاهی مطالعات زنان، فلسفه علم، جامعه‌شناسی، ارتباطات و رسانه در سطح دکتری نیز مشاهده می‌شوند (مصاحبه شونده‌گان شماره ۷، ۱۱، ۵، ۸، ۲، ۳، ۱، ۱۲، ۵) که در کنار فعالیت‌های علمی - آکادمیک خود به طور ویژه به موضوع پیاده‌روی اربعین به عنوان یک میدان مطالعاتی جدید می‌نگرند و تلاش می‌کنند ابعاد مختلف آن را به دور از سویافتگی‌ها به صورت

روش مند، مشاهده و واکاوی نموده و نتایج آن را با اتکاء به مبانی نظری مناسب در قالب گفتمانی علمی ارائه کنند.

نگرش سوژه‌ها به میدان اربعین

نیاز به جدا شدن از روزمرگی و تلاش برای رسیدن به تعالی معنوی و روحی از انگیزه‌های مهمی هستند که افراد را مشتاق سفر اربعین می‌کنند. در ایام اربعین بین آنچه ملال آور است و روح انسان را خسته و بی‌رمق می‌کند، برای چند روز هم که شده فاصله می‌افتد؛ با ترسیم یک هدف مقدس که همانا رسیدن به سرزمین کربلا و زائر ابا عبدالله علیه السلام شدن است. در این میان سوژه‌های زن زائر به خاطر زن بودنشان به طور ویژه نوعی همذات‌پنداری با زینب علیها السلام را نیز تجربه می‌کنند. لذا مطابق چنین نگاهی، زائری که در این مسیر بیشترین سختی را تحمل کند از تقرب و منزلت بیشتری برخوردار خواهد بود؛ چرا که با تحمل چنین رنجی، ذره‌ای از مصیبت وارده بر بانوی کربلا را چشیده و با او همراهی و همنوایی کرده است. البته رسیدن به این نزدیکی عاطفی با زینب علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام پایان کار نیست بلکه آغازی برای تلاشی زینب‌وار در جهت حفظ و تداوم نهضت امام حسین علیه السلام است. برخورداری از چنین نگرشی از مهمترین نقاط مشترک هویتی زنان کنشگر در میدان اربعین است:

- کسی که به نیت امام حسین علیه السلام و زینب علیها السلام در مسیر پیاده‌روی اربعین قدم برمی‌دارد زندگی‌اش قطعاً تحت تأثیر عنایات این بزرگواران خواهد بود. پیوند قلبی قوی ایجاد شده در موقع بازگشت هم حفظ می‌شود. مرور ذهنی تمامی اتفاقات مسیر زیارت، زمینه انس عاطفی و روحی فرد و حرکت به سمت شناخت بیشتر این حضرات را فراهم می‌کند (مصاحبه شونده شماره ۵).

- اربعین یک رویداد زنانه است. بیشترین همذات‌پنداری را با حضرت زینب علیها السلام و اهل بیت امام حسین علیه السلام داریم. در کل مسیر وقتی پای ما تاول می‌زند، تداعی کننده روضه دختران امام حسین علیه السلام است (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

- حضور زنان واجب است چون بعد عاطفی حرکت با حضور زن و بچه تأمین

می‌شود. به نظر من در حادثه عاشورا حضور حضرت زینب علیها السلام و حرکت‌های زنانه تعمدی بوده است (مصاحبه شونده شماره ۱۱).

- دلیل پایه‌ریزی زیارت اربعین درک سختی‌ها و رنج‌هایی است که زینب علیها السلام و سایر زنان در مسیر اسارت متحمل شده‌اند (مصاحبه شونده شماره ۳).

- اوایل اربعین فقط مردانه بود و هر کسی خانم همراهش بود، نگاه جاهلانه به او داشتند ولی الان تبدیل به یک رزمایش خانوادگی شده است (مصاحبه شونده شماره ۸).

- اینکه عاشورا را حضرت زینب علیها السلام زنده نگه داشت و پیامش را رساند، بر روی باور زن‌های ما تأثیر داشت که آنها نیز ادامه دهنده همان راه هستند. این همذات‌پنداری خیلی مهم است. در هر سفر اربعین با خودم عهد می‌بندم که به تأسی از حضرت زینب علیها السلام صبر کنم (مصاحبه شونده شماره ۶).

- در مسیر پیاده‌روی از همصحبتی با زائرین و دیدن مشکلات با چشمان اشک‌آلود یاد مصیبت حضرت زینب علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام می‌افتادم (مصاحبه شونده شماره ۴).

نتیجه

پژوهش حاضر نگاهی به سوژه‌های زن‌کنشگر در اربعین با تمرکز بر نگرش آنها به الگوی هویتی زن شیعه داشت. تحلیل اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد، سوژه‌های مورد مطالعه دارای شاخصه‌های هویتی فردی-اجتماعی مشترکی هستند که امکان قرار دادن آنها در قالب یک تیپ هویتی را امکان‌پذیر می‌سازد. بعد از اصول اعتقادی تشیع، داشتن حجاب و عفیف بودن و رعایت حق الناس از مهمترین باورهای مشترک این طیف از زنان است که در کنار اعتقاد یقینی به ولایت امامان معصوم و لزوم تأسی به آنها تقویت و تکمیل می‌شوند. این طیف از زنان به شدت تکلیف‌گرا هستند. آگاهی یکی از ارزش‌های بنیادین سوژه‌ها است. آنها خود را افرادی آگاه می‌دانند و نسبت به انتخاب‌های نو و متناسب با پیشرفت زمان موضع نمی‌گیرند. آنها نگاهی مثبت به مقوله تحصیلات دارند تا جایی که آن را یک ضرورت برای زنان مذهبی می‌دانند؛ چراکه غیبت در عرصه تحصیل را عامل طرد و به حاشیه رفتنشان در جامعه می‌دانند اما در مورد

شاغل بودن زنان معتقدند تا زمانی که نیاز مالی جدی وجود ندارد، داشتن درآمد مستقل برای زنان متأهل ضرورت ندارد. سوژه‌ها غالباً نقش مادری و همسری خود را مسلط بر سایر نقش‌ها می‌دانند به طوری که خواسته‌های خود را نادیده می‌گیرند تا آسیبی متوجه خانواده نشود. اما مجردها، نقش اجتماعی خود را مسلط بر نقش‌های دیگر می‌دانند تا جایی که برخی از آنها مهاجرت دائمی را انتخاب کرده‌اند که بتوانند در جامعه حضوری مؤثر داشته باشند. آنها از نوعی دغدغه دائمی برای تلاش در مسیری اعتقادی برخوردارند که به نوعی احساس رضایت از خویش منجر می‌شود که مشوق ادامه کنشگری آنهاست. از آنجا که تلاش این سوژه‌ها متکی به باورهای مذهبی‌شان و با نیت داد و ستد با خداوند انجام می‌شود لذا معمولاً حتی در عدم تحقق اهداف هم به ناامیدی‌شان نمی‌انجامد. آنها به انجام تکلیف الهی بدون در نظر گرفتن نتیجه‌اش معتقد هستند؛ همان معنای کلیدی که از امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی آموخته‌اند. سوژه‌ها برای رسیدگی به بدن، از جنبه زیبایی و آراستگی و نیز سلامتی وقت چندانی را اختصاص نمی‌دهند و در حد همان حداقل‌های لازم بسنده می‌کنند. برخی از سوژه‌ها معتقدند این مهم از کودکی به دختران مذهبی آموخته نشده است و تأکید تربیتی بر ضرورت پوشش و در معرض نبودن بدن دختران باعث مغفول ماندن این مقوله مهم بوده است. سوژه‌های مورد مطالعه به لحاظ سبک و روش زندگی، دارای نقاط مشترک قابل توجهی هستند. این طیف از زنان به لحاظ اقتصادی تقریباً در موقعیت متوسط یا ضعیف جامعه قرار می‌گیرند اما از نظر برخورداری از سرمایه‌های فرهنگی در حد بالای جامعه هستند. سوژه‌های انتخاب شده در این مطالعه اغلب جزو زنان زائری هستند که نزدیک به یک دهه (به استثنای دوره شیوع کرونا) هر سال در پیاده‌روی زیارتی اربعین شرکت کرده‌اند. از منظر آنها پیاده‌روی اربعین صرفاً فضایی برای یادآوری و تکریم حماسه‌ای در گذشته نیست بلکه فرصت و میدانی متعلق به اکنون ماست و رو به سوی آینده شیعیه دارد؛ آینده‌ای که زنها در آن نقش مهمی را برعهده دارند؛ نقشی از جنس رسالت روشنگری زینب علیها السلام و همراهی صبورانه زنان اهل بیت علیهم السلام. با داشتن چنین نگاهی به میدان اربعین است که این زنان دیگر فقط زائرانی ساده نیستند که به قصد

ثواب و حاجت خواهی راهی این سفر سخت می شوند؛ بلکه آنها سوژه‌هایی فعال، خلاق و کنشگر خواهند بود که از گوشه گوشه مسیر و لحظات مختلف سفر الهام می‌گیرند و نقاط قوت و ضعف را می‌بینند و به دنبال بازنمایی واقعی و عمیق از این میدان برمی‌آیند. آنها این بستر را به شکل فرصت مغتنمی برای آشنایی‌های جدید و تعاملات مثبت با زنان معتقد دیگر می‌بینند که در اثنای آن هم به شناخت تازه دست می‌یابند و هم دانسته‌های خود را به دیگران منتقل می‌کنند. نکته جالب این است که سوژه‌ها اغلب همین مدل تعاملات مودت‌آمیز و صمیمانه خرد را در درازمدت، بسیار مؤثرتر از کارهای فرهنگی برنامه‌ریزی شده و ستادی می‌دانستند؛ چرا که هم اخلاص و همدلی کنشگران آن بیشتر است و کمتر آلوده به غل و غش‌های ناشی از رقابت در کارهای رسمی و دستوری است و هم احتمال همراهی عموم مردم با سلايق مختلف نسبت به آن بیشتر خواهد بود. کارهای تبلیغی در زمینه قرآن، نهج البلاغه و مهدویت به صورت چهره به چهره و در قالب حلقه‌های معرفتی و سخنرانی در جمع‌های زنانه، توزیع بروشور، عکس، اشیاء نمادین مثل سرپند، تهیه هدایا برای کودکان عراقی که مشغول میزبانی در مسیر زوار هستند، اسکان در مواکب مردمی به عنوان خادم فرهنگی و همچنین انجام پژوهش‌های میدانی خود جوش و شخصی از جمله نمونه‌هایی از فعالیت‌های سوژه‌های مورد مطالعه است. سوژه‌های مورد مطالعه در میدان اربعین علاوه بر ارتباط عاطفی مبتنی بر ارادت و رزی؛ به خاطر زن بودنشان به طور ویژه، نوعی همذات‌پنداری با زینب علیها السلام را نیز تجربه می‌کنند. لذا از این منظر، زائری که در این مسیر به تأسی از زینب علیها السلام قدم برمی‌دارد و سختی‌های آن را تحمل می‌کند، ذره‌ای از مصائب بانوی کربلا را به خود می‌چشاند و از این طریق به او اتصال روحی پیدا می‌کند. البته رسیدن به این نقطه؛ یعنی نزدیکی روحی به زینب علیها السلام پایان کار نیست بلکه آغازی برای ایجاد احساس نیاز شناخت و یا تقویت آن در جهت الگوبرداری هویتی از این بانوی با عظمت تاریخ تشیع است. تحلیل اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد غالب سوژه‌ها در همین نقطه متوقف و سردرگم مانده‌اند. به عبارتی عزم جدی برای زیستی متأثر از الگوی هویتی زن شیعه و فاطمه‌گونه و زینب‌گونه شدن در میان همه این زنان وجود دارد اما شناخت

ناکافی مانع از تحقق چنین دغدغه‌ای برای اکثریت این سوژه‌ها بوده است؛ به طوری که معترفند التزام به حجاب و عقیف بودن تنها شاخصه‌ای است که از حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام دریافت و درونی کرده‌اند. در کنار عدم شناخت کافی و جامع از ابعاد مختلف شخصیت این الگوها، مانع دیگری نیز که به نظر می‌رسد وجود دارد، نگاه تقدیسی صرف به الگوها است که آنها را دور از دسترس می‌نمایاند. سوژه‌های مورد مطالعه به خاطر قداست وجودی فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام و عظمت جایگاه الهی‌شان حتی از اشاره کردن به جزئی‌ترین شاخصه‌های هویتی که در تأسی به این الگوها درونی کرده‌اند به شدت ابا دارند. بنابراین فقط به بیان متواضعانه‌ای از برخی تلاش‌های خود برای شناخت بیشتر این الگوهای هویتی بسنده می‌کنند.

منابع

- جمشیدی‌ها، غلامرضا و شهرام پرستش (۱۳۸۵)، «دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یربورديو»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، بهار.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۹)، هنر انجام پژوهش کیفی از مسئله‌یابی تا نگارش، نشر آگاه.
- ساروخانی، باقر و مریم رفعت جاه (۱۳۸۳)، «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر هویت اجتماعی زنان»، جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، ص ۱۳۳-۶۰.
- عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۵)، نظریه‌های فساد و سلامت اداری، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی.
- عزیززاده، گیتی (۱۳۸۷)، زن و هویت یابی در ایران امروز، تهران، نشر مرکز.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، در آمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، مفاهیم کلیدی پی‌یربورديو، ترجمه محمد مهدی لیبی، چاپ اول، تهران، نشر افکار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، تهران، نشر نی.
- _____ (۱۳۸۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، تهران، نشر نی.